

# شراب نیشابور، ترجمه کم شناخته‌ای از رباعیات خیام

به یاد کریم امامی و براساس نگاهی به انگلیسی شراب نیشابور



از زمان انتشار اولین ویرایش ترجمه ادوارد فیتز جرالذ از رباعیات خیام (در ۱۸۵۹) و سوسه طبع آزمایشی در ترجمه رباعیات همواره کسانی از دانشوران غربی را به ترجمه مجدد ترغیب کرده است. آخرین بار همزمان با انقلاب اسلامی پیتر ایوری و همکارش دست به ترجمه رباعیات زدند (۱۹۷۹).

شمار رباعیات خیام در ترجمه‌های اروپایی از ۱۵۰ تا ۵۰۰ رباعی مختلف است. گرچه خود فیتز جرالذ در ویرایش نخست ترجمه‌هایش تنها ۷۵ رباعی را ترجمه کرده بود اما در کار ادوارد هنری وینفیلد به ۵۰۰ رباعی رسید. آخرین ترجمه رباعی‌ها که کار ایوری است چیزی نزدیک به نیمی از آن ۵۰۰ رباعی را در بر می‌گیرد (۲۳۵ رباعی).

دانشوران ایرانی نیز بویژه در دو سه دهه اخیر ترجمه‌هایی از رباعیات خیام ارائه کرده‌اند گرچه هیچیک به شهرت ترجمه‌های غربیان نیست. همانطور که ترجمه‌های غربیان هم هیچیک به شهرت ترجمه فیتز جرالذ که پیشگام معرفی خیام است نمی‌رسد.

جدی‌ترین ترجمه‌های ایرانیان از خیام، از کریم امامی و فواد روحانی است که هر دو برای دو نسخه انگلیسی و فرانسوی شراب نیشابور ترجمه کرده‌اند. اثری که در خود ایران چندان شناخته شده نیست زیرا انتشار آن با مساله سلمان رشدی و کتاب آیات شیطانی او همزمان شد (۱۹۸۸) و فرصت مناسب برای پخش آن در ایران از دست رفت گرچه کتاب که در تیراژ ۱۰ هزار نسخه‌ای

انتشار یافت (۵ هزار نسخه برای هر یک از دو زبان) در اروپا و آمریکا توزیع شد.

### عکسهای مدرن برای شعرهای خیام

کتاب شراب نیشابور از بسیاری جهات اثری بکر و بدیع در معرفی خیام به دنیای غرب است.

شاهرخ گلستان منتقد، عکاس، فیلمساز و برنامه‌ساز صاحب نام ایرانی که سالهاست در پاریس اقامت دارد، در سالهای سرخوردگی پس از انقلاب که به خیام رو کرده بود، تصمیم گرفت با الهام از شعرهای او به عکاسی بپردازد و برای نخستین بار عکس را جانشین مینیاتورهای سنتی کند که تا آنزمان در کتاب‌های رباعیات خیام در فضا سازی برای رباعی‌ها به کار گرفته می‌شد. ابتکار شاهرخ گلستان برای امروزی کردن خیام بود یا در واقع برای برداشتی امروزی از رباعی‌های خیام و نشان دادن فکر و شعر خیامی در جامعه امروز. او خود در مقدمه فارسی کتاب می‌گوید:

«از آنجا که مینیاتور یک سبک قدیمی از نفس افتاده است خواننده را خواه ناخواه از امروز جدا می‌کند و همراه با آن رباعی‌ها را در لایه‌ای از غبار زمان می‌پوشاند و در نتیجه به درک اندیشه‌های تابناک خیام که بعد از نه قرن تازگی و درخشندگی خود را حفظ کرده و همچنان سخن روز است آسیب می‌رساند.»

### ترجمه‌ای فارغ از تکلفات ادیبانه

برداشت امروزی از خیام از نیمه دوم قرن بیستم در ترجمه رباعی‌ها نیز دیده می‌شود. رابرت گریوز و علی شاه در ترجمه‌ای که از خیام بدست دادند (۱۹۶۸) کوشیدند زبان ساده‌تر و عمومی‌تری را در ترجمه به کار گیرند. چنانکه ترجمه پیترا ابوری و جان هیث هم از همین ویژگی برخوردار است.

کریم امامی نیز وقتی به دعوت شاهرخ گلستان دست به کار ترجمه رباعی‌ها شد ظاهراً به همین نوگرایی توجه داشت. در عین حال، شاهرخ گلستان از دو جهت به معیارهای سنتی وفادار ماند. نخست در انتخاب رباعی‌ها سختگیری نشان داد و کوشید همان رقم هفتاد و اندی رباعی خیام را که سنتا از او دانسته می‌شود حفظ کند و در واقع بهترین و شاعرانه‌ترین و پرمغزترین رباعی‌ها را برای کتاب خود برگزید و دو دیگر اینکه برای متن فارسی رباعی‌ها از خوشنویسی استفاده کرد.



● انتشارات سروش (۱۳۵۴)

به این ترتیب شراب نیشابور اولین کتابی است که رباعیات خیام را به دست گروهی از ایرانیان برای مخاطب غربی ارائه می‌کند. نصرالله افجه‌ای وظیفه ایجاد فضای ایرانی کار را با خوشنویسی‌های خود بر عهده گرفته است، شاهرخ گلستان با عکس‌های نفیسی که رهاورد سفرهای او به نقاط مختلف جهان است گسترش شعر و اندیشه خیامی را در دنیای معاصر نشان داده است و کریم امامی (و فواد روحانی در نسخه فرانسوی) روایت خیام را از دید و قلم یک مترجم ایرانی عرضه می‌کند.

رساله جامع علوم انسانی

### کریم امامی از سپهری تا خیام

تا آنجا که کارهای امامی نشان می‌دهد این اولین بار است که او به ترجمه اثری از ادب کهن فارسی به انگلیسی دست می‌زند. او که اصولاً آدمی مدرن بود و ترجمه‌های بسیار خوبی از شعر ستارگان ادب معاصر ایران مانند فروغ فرخزاد و سهراب سپهری به دست داده است در ترجمه خیام نیز زبانی امروزی برگزید.

کریم امامی از مترجمانی است که در رعایت سبک نویسنده اصلی بسیار مقیدند. اما این تنها موردی است که امامی تلاش کرده است به جای مقید کردن خود به حفظ سبک و زبان کهنه خیام روایتی امروزی از متن بدست دهد.

یکی از محاسن این روش آن است که ترجمه تا حد ممکن به متن اصلی رباعی‌ها وفادار می‌ماند. مترجم تمام سعی خود را در انتقال معنای اشعار به کار برده است و کمتر در قید و بند قافیه و موسیقی کلام خود بوده است.

### دو گرایش در ترجمه شعر

برای کسی که ترجمه رباعیات را از فیتز جرالده خوانده باشد لذت ادبی از ترجمه امامی بردن کار دشواری خواهد بود. اما نکته اساسی در آن است که اگر فیتز جرالده به جای ترجمه به بازسازی و بازسرایی رباعی‌های خیام در زبان انگلیسی پرداخته است. کریم امامی وظیفه خود را صرفاً ترجمه رباعی‌ها تعریف کرده و پا را از آن فراتر نگذاشته است.

بنابراین در حالی که معمولاً با خواندن ترجمه‌های فیتز جرالده نمی‌توان دانست او دقیقاً کدام رباعی را در ترجمه / بازسرایی خود مدنظر داشته است، از راه ترجمه‌های امامی همواره می‌توان اصل رباعی را باسانی حدس زد.

به عبارت دیگر، اگر در ترجمه‌های خیام دو شیوه مترجمانه و ادیبانه را بتوان تشخیص داد، هر قدر ترجمه‌هایی مانند فیتز جرالده به سمت ادیبانه بودن گرایش دارند، ترجمه کسانی مانند امامی به مترجمانه بودن نزدیک است. ترجمه ادیبانه با حفظ روحیه متن به خود اجازه می‌دهد زبان آن را آزادانه تغییر دهد، حال آنکه ترجمه امین و مترجمانه حفظ روحیه متن را در هر چه نزدیکتر باقی ماندن به زبان متن می‌داند. امری که البته در کار ترجمه شعر و بویژه شعر کلاسیک بسیار دشوار است. به همین دلیل هم کسانی مانند احمد شاملو در ترجمه رفتاری ادیبانه پیش می‌گرفتند و شعر را از شعر نو در زبان خود می‌سرودند.

### انتخاب میان امانت و حس غنایی

به این ترتیب کار امامی به کار کسانی مانند پیتر ایوری نزدیک می‌شود که می‌خواهند تا جایی که ممکن است و زبان انگلیسی اجازه می‌دهد به زبان و تعبیرات خیام نزدیک باشند. اما به همین ترتیب وی در معرض انتقاداتی خواهد بود که به ایوری نیز وارد شده است:

«ترجمه ایوری و هیث از دید زبانی ترجمه‌ای ناهموار است. در حالی که برخی از اندیشه‌های زیرکانه خیام در این زبان مدرن بخوبی منتقل شده است اما از نظر تاثیر ادبی چندان قوتی ندارد. با اینهمه زبان اختیار شده همواره نیز مدرن باقی نمی‌ماند و گاه با واژگانی کهنه شده در می‌آمیزد. مترجمان تلاشی نکرده‌اند که در ترجمه خود قافیه و هم آهنگی واژگان را در نظر بگیرند که البته قابل پذیرش است اما اینکه ترجمه آنها از حس غنایی هم بی‌بهره باشد چیزی

نیست که بتوان پذیرفت. نایکدستی سبک و آهنگ ترجمه هم آزار دهنده است. گاه سیلاب‌های هر سطر به شش می‌کاهد و گاه تا بیست سیلاب افزایش می‌یابد. این چیزی است که همواری و آسانی خواندن را می‌گیرد.»

به دلیل کم شناخته بودن شراب نیشابور در ایران نقد و معرفی از کتاب انجام نشده است اما نجف دریابندری، مترجم صاحب سبک، در شماره ۷ - ۸ مجله جهان کتاب چاپ تهران نقدی بر ترجمه‌های کریم امامی از رباعیات منتشر کرده است. این نقد، نظرات اوست درباره ۱۵ رباعی از ۷۲ رباعی ترجمه شده در شراب نیشابور.

### شراب نیشابور در تهران

ترجمه آثار جاودانه ادبی یک کار دایمی است. در واقع در هر دوره‌ای و با هر تغییر بزرگ ذوقی و زبانی نیاز به ترجمه مجدد این آثار مطرح می‌شود. خود مترجمان هم معمولاً علاقه‌مندند که آثار درجه یکی را که ترجمه می‌کنند مرتباً بازبینی کنند. فیتز جرالده از ترجمه‌های خیام پنج ویرایش منتشر کرد.

می‌توان امیدوار بود که کریم امامی هم ترجمه‌های خود را براساس نظرات تازه خود و نقدهای شفاهی و کتبی دیگران بازنگری کرده باشد. اگر چنین باشد انتشار نسخه تازه‌ای از شراب نیشابور در تهران با تکیه بیشتر در متن تا عکس می‌تواند ترجمه‌های امامی را برای گروه‌های وسیعتری دستیاب کند. بخصوص که او در سالهای اخیر به مرجعی در زمینه ترجمه تبدیل شده بود و بحث‌های بسیاری را در ترجمه متون ادبی از طریق مجله زین مترجم هدایت و مدیریت می‌کرد.

شراب نیشابور (The Wine of Nishapur) یا به قول کریم امامی - در کتاب از پست و بلند ترجمه - «خیام نفیس پهن پیکر چاپ پاریس»، کاری است از انتشارات سوفل (Souffles) که در ۱۲۰ صفحه (بدون صفحه شمار) قطع رحلی مربع در نوامبر ۱۹۸۸ منتشر شده است.